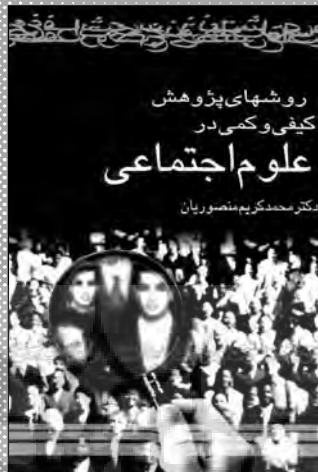


بهانه‌ای برای شرح روش‌های کیفی

فرشته انصاری مهابادی

کارشناس ارشد انسان‌شناسی دانشگاه تهران



روش‌های پژوهش کیفی و کمی در علوم اجتماعی
محمد کریم منصوریان
نوید شیراز
۱۳۸۱، ۲۰۸ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۱۳۵۰ تومان

کتاب‌های مشابه، تشریح چگونگی واکاوی، تبیین و تفسیر داده‌های کیفی است. در بسیاری از کتاب‌ها می‌خوانیم که چگونه و با استفاده از چه روش‌هایی باید دست به تحقیق کیفی زد. مثلاً چگونه باید مشاهده کرد، مصاحبه نمود، فیلم و عکس تهیه کرد، تاریخچه زندگی افراد را جستجو نمود و... ولی در بخش بعدی که مربوط به چگونگی استخراج داده‌های کیفی است - چگونگی طبقه‌بندی، کدگذاری داده‌های اولیه و ثانویه و نهایتاً تفسیر و واکاوی آنها - دچار نقصان شده و کمترین اطلاعات را به خوانندگان خود انتقال می‌دهند. حال آنکه مؤلف در این کتاب وجه بارز تلاش خود را بر آموزش چگونه جستجو کردن و تبیین داده‌های کیفی متمرکز نموده است. در واقع داده‌های کیفی که به شکل متن یا واژه‌های نوشته شده، عبارات یا نمادهایی‌اند که مردم، کنشها و رخداد‌های اجتماعی را شرح یا ارائه می‌دهند، مستلزم نوع خاصی از واکاوی و تحلیل درونی‌اند که با واکاوی داده‌های کمی متفاوت است (ص ۱۶۵).

ولی متأسفانه تعداد اندکی از پژوهشگران کیفی چگونگی واکاوی داده‌ها را شرح داده‌اند و این سبب پیدایی یک انتقاد جدی بر تحقیقات کیفی شده است به این صورت که شیوه تحلیل داده‌های کیفی روشن نیست یا راه بازیابی بر آنها بسته است (همان).

به نظر نویسنده، کتاب برای استفاده دانشجویان علوم انسانی و اجتماعی و حوزه‌های وابسته به آن چون انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، ارتباطات، مدیریت، علوم تربیتی، جرم‌شناسی و... همچنین بسیاری از علوم دیگر نظیر بهداشت، محیط زیست، پزشکی و... کاربرد دارد (ص ۹).

وی نظرات افرادی را که پژوهش‌های کیفی را به دلیل عدم استفاده از فنون آماری و... ناچیز می‌شمارند نیز گروه‌هایی که پژوهش‌های کمی را سطحی می‌انگارند، رد کرده و معتقد است که باید تفاوت میان این دو نوع رویکرد را نه به صورت یک امر بازدارنده و تفریدی بلکه به منزله فرصتی برای گفت‌وگوهای

تحقیقات کیفی که سابقه آنها به سده‌های پیشین بازمی‌گردد برگرفته از کنج‌کاوی‌های نوع بشر بوده و توسط قوم‌شناسان، روانشناسان اجتماعی، مورخان و منتقدان ادبی رسماً شکل علمی به خود گرفته‌اند (استیک، ۱۳۷۹، ص ۵۳). این تحقیقات دربردارنده روش‌های عمیق و ژرفانگری‌اند که برای کشف معنایی که افراد به پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی می‌دهند و نیز روشن کردن فرآیندهای ذهنی رفتارها استفاده می‌شوند. به رغم برخورداری این پژوهش‌ها از پیشینه‌ای طولانی، گستره‌شان در مقایسه با تحقیقات کمی بسیار کمتر است. این امر به ویژه در کشورهایی چون ایران به صورت بارزتر جلوه می‌نماید. در واقع در کشور ما جایگاه واقعی تحقیقات کیفی روشن و مشخص نیست و غالب پژوهش‌ها کمی‌اند. به نظر می‌رسد که دلائلی چون سهولت و آسانی، سرعت نتیجه‌گیری، بی‌نیازی از امکانات و تجهیزات مفصل، تعمیم پذیری، عدم پیچیدگی، پذیرش عمومی از سوی مراکز و سازمان‌های حمایت‌کننده امکان، استفاده و به کارگیری از چنین تحقیقاتی را بیشتر فراهم کرده است. در مقابل، دلائلی مانند پیچیدگی، عدم سرعت در نتیجه‌گیری، تعمیم ناپذیری در اغلب موارد، عدم توجه و گرایش سازمان‌های تحقیقاتی حمایت‌کننده، زمان‌بر و پرهزینه بودن و در نهایت عدم شناخت کافی و اصولی و نیز وجود تعاریف مبهم و ناقص از پژوهش‌های کیفی سبب شده است تا محققان گرایش کمتری به این نوع پژوهش داشته باشند.

کتاب روش‌های پژوهش کیفی و کمی در علوم اجتماعی از جمله منابع ارزنده‌ای است که در کنار چند کتاب دیگر معرفی خوبی از تحقیقات کیفی ارائه می‌کند. گرچه در این کتاب، بررسی‌های کمی نیز توضیح داده می‌شود ولی به نظر می‌رسد که مؤلف محترم بیش از آنکه قصد معرفی شیوه‌های کمی را داشته باشد در صدد است تا با طرح اصولی از شیوه‌های کیفی، خوانندگان را به سمت چنین تحقیقاتی سوق داده و حداقل ذهن آنها را نسبت به این نوع از پژوهش‌ها حساس کند. از نظر نگارنده وجه متمایز و به تبع آن نقطه قوت این کتاب، در مقایسه با

مستمر و فراگیری مطالب تازه از همدیگر به شمار آورد تا بدین ترتیب کار مبادله علمی آسان شود (ص ۱۰ و ۱۱).

مروری بر کتاب

کتاب حاضر در ۵ فصل گردآوری شده است. فصل اول آن مقدماتی را در زمینه پژوهش، بررسی یک تحقیق علمی و گامهای اجرای یک تحقیق ارائه می‌دهد. این گامها عبارت‌اند از: گزینش عنوان، طرح پرسشها، طراحی پژوهش، گردآوری داده‌ها و واکاوی داده‌ها، تفسیر داده‌ها و در نهایت گزارش پژوهش. هر هفت مرحله به بخش نظریه‌ها متصل است و از آن تغذیه می‌کند. مؤلف سپس سه رهیافت روش شناختی - علوم اجتماعی اثبات گرا، تفسیری و انتقادی - را بررسی می‌کند تا از این طریق مرز میان دو روش کمی و کیفی را روشن نماید.

دیدگاه اثبات گرایی بنا به سیر تاریخی پژوهش، ابتدا، تحقیقات علوم طبیعی را شامل می‌شده است و سپس برخی از صاحب‌نظران اجتماعی از این رهیافت استفاده کرده و با الگوبرداری از آن، این زمینه را گسترش داده و به سطوح علوم اجتماعی نیز کشانده‌اند. پژوهشگران اثبات گرا، داده‌های کمی دقیق را ترجیح می‌دهند و اغلب از شیوه‌های آزمایشی، پیمایشی و آمار استفاده می‌کنند. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که گرایش این پژوهشگران بیشتر متوجه انجام تحقیقات کمی است (ص ۲۱ تا ۲۳).

دیدگاه تفسیری به آشکار کردن نادیده‌ها تمایل دارد و به مطالعه و بررسی تفصیلی و جزء به جزء یک متن و معانی نهفته در آن می‌پردازد. محققان مزبور اغلب از شیوه‌های مشاهده مشارکتی و تحقیق میدانی استفاده کرده و بنابراین کارشان مستلزم به کارگیری زمانی طولانی است (ص ۲۳ و ۲۵).

دیدگاه انتقادی، اثبات گرایی را به دلیل کوتاهی در درک معانی مردم و توانایی آن در اندیشه و احساس به نقد می‌کشد و رهیافت تفسیری را به دلیل ذهنی بودن بیش از حد و نسبی‌گرایی مورد انتقاد قرار می‌دهد. به طور کلی این رهیافت، علوم اجتماعی را به عنوان فرآیند بررسی انتقادی برای آشکار کردن ساختارهای جهان مادی به منظور کمک به مردم در دگرگون‌سازی شرایط و ساختن دنیای بهتر برای خود تعریف می‌کند (ص ۲۵).

مؤلف معتقد است که دو رهیافت اول و دوم به ویژه رهیافت اثبات‌گرا بیشتر از رویکرد سوم یعنی رهیافت انتقادی مورد استفاده پژوهشگران علوم اجتماعی قرار گرفته‌اند.

فصل دوم کتاب، شیوه طراحی و آموزش یک پروژه پژوهش کمی را برای

خوانندگانی که تمایل به نوشتن یک طرح تحقیق کمی دارند، ارائه می‌دهد. برای روشن شدن مطلب، کتاب ابتدا مفاهیمی چون متغیر و انواع آن، فرضیه، انواع، ویژگیها و چگونگی آزمایش کردن آن و نیز سطح و واحد مطالعه را تعریف و بررسی می‌کند. نویسنده سپس به خطاهای پژوهشی اشاره نموده و به خواننده می‌آموزد که تا حد امکان از این خطاها - بوم شناختی، کاهش گرایی، تکرار، پایان‌شناسی و رابطه دروغین و کاذب - فاصله گیرد.

مؤلف پس از شرح مراحل اجرای یک پژوهش کمی با طرح چند نمونه مراحل مذکور را به صورت عملی به خواننده آموزش می‌دهد. فصل سوم کتاب، چگونگی سنجش و اندازه‌گیری پژوهشهای اجتماعی کمی را آموزش می‌دهد

● داده‌های کیفی که به شکل متن یا واژه‌های نوشته شده،

عبارات یا نمادهایی اند که مردم، کنشها و

رخدادهای اجتماعی را شرح یا ارائه می‌دهند،

مستلزم نوع خاصی از واکاوی و

تحلیل درونی اند که با واکاوی

داده‌های کمی متفاوت است

● دیدگاه انتقادی، اثبات گرایی را

به دلیل کوتاهی در درک معانی مردم

و توانایی آن در اندیشه و احساس به نقد می‌کشد

و رهیافت تفسیری را به دلیل ذهنی بودن

بیش از حد و نسبی‌گرایی مورد انتقاد قرار می‌دهد

● پژوهشگر کیفی نظریه را در طول فرآیند گردآوری داده‌ها

به دست می‌آورد و آماده برخورد با رخدادهای

پیش‌بینی نشده است نه اینکه الزاماً نظیر پژوهشگران کمی

آن را از قبل آماده کرده باشد

چراکه سنجش در این نوع تحقیقات کاری اساسی است و با آن می‌توان اطلاعات دقیق‌تری از واقعیتها به دست آورد. از این رو نویسنده سلسله مراتب و ترتیبات مربوط به سنجش را به طور مفصل توضیح می‌دهد که عبارت‌اند از: تعریف و یا مفهوم‌سازی و سپس کاربردی و عملیاتی کردن آن، اعتمادپذیری و معتبر نمودن تعاریف استفاده از سطوح سنجش چون مقیاسها، شاخصها و در نهایت طیفها. فصل چهارم کتاب با عنوان طرح پژوهش کیفی بیشتر به مسائل نظری تحقیقات کیفی می‌پردازد. تمرکز این فصل عمدتاً بر تفاوتها و ناهم‌اندیهای میان پژوهش کیفی و کمی است و نویسنده تلاش می‌کند تا ثابت نماید که رویکرد کیفی نیز به همان اندازه رویکرد کمی از اهمیت علمی بالایی برخوردار است. وی سپس ویژگیهای پژوهش کیفی را بررسی می‌کند:

۱ - اهمیت زمینه (context): پژوهشگران کیفی عناصری از زندگی اجتماعی را در کل آن زمینه مطالعه می‌کنند چه در غیر این صورت معنای آن عنصر از بین خواهد رفت.

۲ - شیوه بررسی موردی (case study): پژوهشگر کیفی باید دامنه وسیعی از اطلاعات را در مورد یا موارد محدود گردآوری کند. «این امر سبب درک بهتر فعالیتهای آن پدیده در موقعیتهای مختلف می‌شود» (استیک، ۱۳۷۹: ص ۱۱)

۳ - درستی پژوهشگر (integrity): برعکس گفته پژوهشگران کمی که نفوذ شخص محقق را در میدان یک تحقیق کیفی تورش (bias) و آلوده نمودن واقعیات عینی تلقی می‌کنند، پژوهشگران کیفی از بینشها، احساسات و دیدگاههای شخصی در راه شناخت و درک زندگی اجتماعی مورد بررسی بهره می‌جویند.

۴ - نظریه بنیادی یا زمینه‌ای (grounded theory): پژوهشگر کیفی نظریه را در طول فرآیند گردآوری داده‌ها به دست می‌آورد و آماده برخورد با رخدادهای پیش‌بینی نشده است نه اینکه الزاماً نظیر پژوهشگران کمی آن را از قبل آماده کرده باشد.

۵ - فرآیند و تفسیر (process and Interpretation): در فرآیند تحقیق هر محقق کیفی با توجه به توالی رخدادها به ترتیب آنها را از آغاز تا پایان پیگیری می‌کند و سپس به تفسیر آنها می‌پردازد یعنی مفاد منطقی یا فحوای معنای آنها را تعیین می‌کند.

فصل پنجم کتاب واکاوی و چگونگی تفسیر داده‌های کیفی را آموزش می‌دهد. این فصل بخش بسیار جالب و درخور تعمقی است که به بسیاری از افرادی که می‌خواهند یک تحقیق کیفی انجام دهند ولی طریقه تحلیل و تفسیر داده‌های آن را نمی‌دانند اطلاعات زیادی می‌دهد.

از نظر نویسنده، داده‌های کیفی به شکل متن یا واژه‌های نوشته شده، عبارات یا نمادهایی‌اند که مردم، کنشها، رخدادها، اجتماعی را شرح یا ارائه می‌دهند. در این فصل درباره شماری از فنون تحلیل داده‌های کیفی با کاربردی گسترده بحث می‌شود. واکاوی داده‌ها دربرگیرنده مراحل بررسی، مرتب کردن، دسته‌بندی کردن، ارزیابی کردن، مقایسه و ترکیب کردن و اندیشه کردن درباره داده‌های نشانه‌گذاری شده و همچنین مرور داده‌های خام و ثبت شده است. از این رو نویسنده ابتدا نشانه گذاری داده‌های کیفی و سپس یادداشت‌برداری تحلیلی را به خواننده آموزش داده و سپس به توضیح درباره شیوه‌های دست اول واکاوی داده‌ها می‌پردازد.

شیوه‌های دست اول عبارت‌اند از:

۱ - تخمین پیاپی: یعنی در طول زمان یا پس از چند تکرار، پژوهشگر از ایده‌های مبهم و جزئیات ملموس، داده‌ها را به سوی یک واکاوی فراگیر با تعمیم‌هایی پیش می‌برد.

۲ - روش نمایشی: با این روش محقق نظریه را درباره یک موقعیت ملموس تاریخی یا مجموعه اجتماعی به کار می‌برد یا داده‌ها را بر اساس یک نظریه پیشین سازماندهی می‌کند.

۳ - مقایسه تحلیلی: در اینجا، محقق بر روی شماری از قواعد متمرکز می‌شود و آنها را با تبیینهای گوناگون با هم مقایسه می‌کند. این قیاسها بر مبنای وجوه تشابه یا تفاوت صورت می‌گیرد.

۴ - واکاوی حوزه‌ای (domain analysis): در این نوع واکاوی، واحد اساسی در هر مجموعه فرهنگی و حوزه یک مفهوم یا یک ایده تعریف شود. حوزه‌ها به صورت مفاهیم گسترده با هم ترکیب می‌شوند تا یک تفسیر کلی از صحنه فرهنگی یا مجموعه اجتماعی را فراهم آورند.

۵ - گونه‌های آرمانی: این همان روش «وبر» است که یک گونه آرمانی را برمی‌گزیند و سایر گونه‌ها را با آن مقایسه می‌کند در واقع از طریق این گونه‌ها ویژگیهای منحصر به فرد زمینه را بهتر می‌توان درک کرد.

در مراحل بعدی نویسنده درباره چند فن واکاوی کیفی دیگر که در مرتبه دوم اهمیت قرار می‌گیرند چون واکاوی شبکه‌ای، تخصیص زمان، جریان و سیر زمانی رخدادها، روش دسته‌بندی چندگانه و در نهایت شواهد منفی توضیح می‌دهد.

نقد

۱ - علیرغم اطلاعات جالب و قابل استفاده‌ای که نویسنده محترم در مورد روشهای تحقیق کمی و آماری ارائه می‌کند ولی به نظر می‌رسد که بخشهای انتهایی نظیر تجزیه و تحلیل داده‌ها، تفسیر داده‌ها و نیز انتشار یافته‌ها برای آگاهی دیگران، نیازمند توضیحات کامل‌تری است که نویسنده به هر دلیلی از توضیح و تشریح آنها خودداری نموده است.

۲ - مؤلف برای عملی‌سازی و آشنایی دقیق خواننده با مفاهیم به کار برده شده در کتاب در بسیاری از مباحث از مثالها، مدلها، نمونه و الگوهای استفاده نموده که در تفهیم مطلب کمک شایسته‌ای می‌کند ولی این الگوها در بخش مباحث مربوط به تحقیقات کیفی و واکاوی آنها کمتر به چشم می‌خورد. در واقع بسیاری از مباحث مربوط به سنجش و واکاوی داده‌ها توضیح داده شده است ولی صورت آموزش تکنیکی و عملی ندارد و چه بسا که خوانندگان مجبور شوند برخی از مباحث را چندین بار مطالعه کنند تا در نهایت به فهم مطلب برسند.

۳ - انجام هر پژوهش خواه کمی و خواه کیفی مستلزم گذر از مراحل متعددی است که بخشی از آن به استفاده از شیوه‌ها، تکنیکها و ابزارهای پژوهش مربوط می‌شود. در کتاب حاضر هیچ نوع شیوه کیفی برای دسترسی به اطلاعات و داده‌ها چون شیوه‌های مشاهده مشارکتی، مشاهده، مصاحبه‌های عمیق و جامع، داستان‌سرایی، تاریخچه زندگی، تجزیه و تحلیل تاریخی، فیلم - ویدئو و عکس و سایر روشهای کیفی معرفی نشده است. البته نویسنده در جایی از کتاب عنوان می‌کند که این شیوه‌ها را در یک مجلد دیگر به رشته تحریر درخواهد آورد (ص ۱۶۸) و این در جای خود بارز است ولی به هر روی عدم اشاره، حداقل به نام این شیوه‌ها یکی از ضعفهای کتاب حاضر است.

پی‌نوشت:

۱ - نظیر: - مارشال، کترین (۱۳۷۷) روش تحقیق کیفی، علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- سیلورمن، دیوید (۱۳۸۱) روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی، محسن ثلاثی، مؤسسه فرهنگی، انتشاراتی تبیان.

منبع:

استیک، رابرت ای. (۱۳۷۹). هنر پژوهش موردی. محمد علی حمید رفیعی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.